

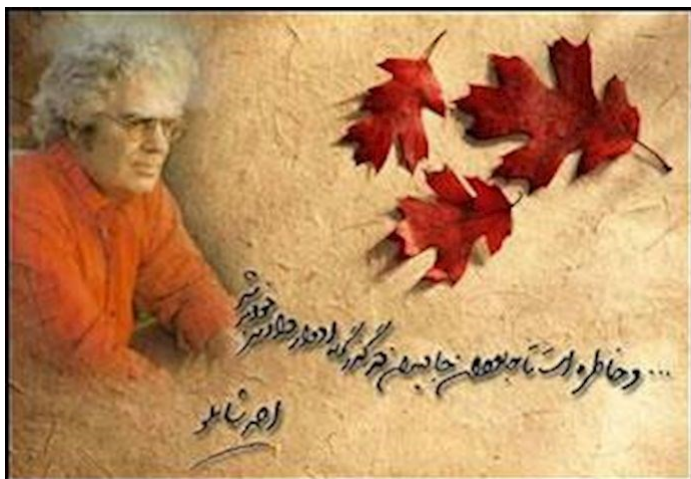


آه اگر آزادی سرودی می خواند

ما باید با استراتژی خودمان حکومت اسلامی

را سرنگون کنیم!

بهرام رحمانی



احمد شاملو

آه اگر آزادی سرودی می خواند

کوچک

همچون گلگاه پرنده‌یی،

هیچ‌کجا دیواری فرو ریخته بر جای نمی ماند.

سالیان بسیار نمی بایست

دریافتن را

که هر ویرانه نشانی از غیاب انسانیست

که حضور انسان

آبادانیست.

همچون زخمی

همه عمر

خونابه چکنده

همچون زخمی

همه عمر

به دردی خشک تپنده،

به نعره‌یی

چشم بر جهان گشوده

به نفرتی

از خود شونده،

غیاب بزرگ چنین بود

سرگذشت ویرانه چنین بود.

آه اگر آزادی سرودی می خواند

کوچک

کوچک‌تر حتا

از گلگاه یکی پرنده

استراتژی ما چیست؟ استراتژی ما، به‌طور شفاف و روشن این است که محکم و قاطع بگویم تحریم اقتصادی ایران و حمله نظامی به این کشور نه! اما سرنگونی کلیت حکومت اسلامی و برپایی یک جامعه آزاد، برابر، انسانی و عادلانه آری! سرنگونی کلیت حکومت اسلامی ایران، امر مستقیم و بلاواسطه مردم آزاده ایران و حامیان بین‌المللی آن‌هاست. بنابراین، ما دخالت هر حکومتی در امر مبارزه داخل ایران را محکوم می‌کنیم. چرا که این مبارزه، کمترین ربطی به دخالت حکومت‌های سرمایه‌داری ندارد. به‌علاوه تاریخ نشان داده است که این حکومت‌ها، در مبارزات مردم هر کشوری دخالت کرده‌اند مردم آن کشور را، دچار فلاکت و بدبختی‌های مختلف و فرسایشی کرده‌اند. کافی‌ست نگاهی به اخبار و گزارشات و فیلم‌های منتشر شده درباره جامعه افغانستان، لیبی، عراق، سوریه، یمن و... توجه کنیم تا به سادگی ببینیم که تروریسم دولتی و غیردولتی و جنگ و کشتار، نفس مردم این کشورها را آن‌چنان بریده است که آن‌ها هر لحظه و هر روز قربانی می‌دهند! به‌خصوص زندگی برای کودکان و زنان و سالمندان بسیار دردناک است و روزنه امیدی برای رهایی از این وضعیت هولناک در مقابل آن‌ها قرار ندارد. ما شدیداً مخالف «کرزای»‌ها و «طالبانی» سازی‌ها در جامعه ایران هستیم.

از این رو، ما نه تنها پیگیر و بی‌وقفه در جهت سرنگونی حکومت اسلامی مبارزه می‌کنیم، بلکه ما می‌خواهیم این مبارزه به یک جامعه آزاد و برابر و انسانی و عادلانه منجر گردد نه این که صرفاً قدرت مانند سال 1357 جابه‌جا گردد و سانسور و اختناق، وحشت و ترور، شکنجه و اعدام، فقر و فلاکت همچنان تداوم یابد. ما می‌خواهیم مردم از طریق تشکلات خود و با اتکا به روابط و مناسبات شورایی و دمکراسی مستقیم مدیریت جامعه را مستقیماً به دست خویش گیرند و به هیچ فرد و جریانی اجازه ندهند از بالای سر آن‌ها سرنوشت‌شان را رقم بزنند. در عصر آگاهی بشر و انقلابات پی در پی انفورماتیک، تاسیس دولت خودی و غیرخودی، توهین به بشریت است. چرا مثلاً حاکمیت‌های ترامپ، خامنه‌ای، اردوغان، اسد، پوتین، نتان‌یاهو، شیوخ کشورهای عربی، مرکل و... می‌توانند با حکومت‌های به اصطلاح «انتخابی»، «کودتاچی» و «تحمیلی» خود منافع یک درصدی سرمایه‌داران را در مقابل 99 درصدی جامعه اتامین کنند اما مردم آگاه با قدرت و خرد و شعور جمعی و 99 درصدی خود نمی‌توانند جامعه خود را اداره و نیازهای آن‌ها تامین کنند؟ چه کسانی و چه گرایشاتی فلسفه «دولت - ملت» را ابدی و ازلی کرده‌اند! تا کی باید مطیع این دهن‌کجی بزرگ به بشریت آگاه بود؟

ما هم‌زمان با تبلیغ و ترویج و جان انداختن این استراتژی مان در جامعه، در عین حال ضروری می‌دانیم که افراد، جمع‌ها، سازمان‌ها، احزاب سیاسی و تشکلات دمکراتیک مردمی، در جهت سرنگونی کلیت حکومت اسلامی همکاری تنگاتنگی با همدیگر برقرار کنند. این نیروها متشکل از جنبش‌ها و طیف‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هستند. اگر از جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانشجویان و جوانان و جنبش‌های آزادی‌خواه خلق‌های تحت ستم مناطق محروم و سرکوب شده سراسر ایران گرفته تا کمونیست‌ها، سوسیالیست‌ها، فمینیست‌ها، آنارشویست‌ها و سندیکالیست‌های رادیکال، زنان خانه‌دار، لشکر پیکاران، بازنشستگان، فعالین حقوق بشر، محیط زیست، آزادی زبان‌های مادری، مخالفان سانسور و اختناق، شکنجه و اعدام، فقر و بیکاری و غیره در یک صف واحد سراسری متحد و متشکل شوند و دست به دست هم بدهند و به مبارزه سیاسی - اجتماعی متحد و متشکل و

ادامه در ص 5



بر قرار باد خودمدیریتی دمکراتیک و شورایی در ایران!

از اعتراض مردم کازرون حمایت کنیم!

مامورین امنیتی و انتظامی حکومت چهل و جنایت و ترور اسلامی ایران، این بار اعتراضات بر حق مردم کازرون را به خاک و خون کشیدند. هفته گذشته نیز مامورین امنیتی در تهران به تجمع معلمان حمله کرده و آن‌ها مورد ضرب و شتم قرار داده بودند. گفته می‌شود در اثر تیراندازی مامورین حکومتی در کازرون، از سه تا پنج نفر جان خود را از دست داده‌اند، تعدادی نیز زخمی و یا دستگیر شده‌اند.

عامل اصلی اعتراضات مردم کازرون همان اعتراضاتی است که به‌طور کلی در بخش‌های دیگر جامعه ایران در جریان است و اکثریت مردم نسبت به وضعیت معیشتی و اقتصادی و همچنین اوضاع اشتغال اعتراض دارند. فقر و بیکاری و همچنین تغییر تقسیمات کشوری، تصمیم به تقسیم کازرون در استان فارس و تشکیل شهرستانی جدید اعتراضاتی را در فروردین ماه امسال برانگیخت که برای چندین هفته، همچنان ادامه دارد. این اعتراضات با تجمعاتی بزرگ و همچنین تعطیلی بازار نیز همراه بوده است.

چهارشنبه 26 اردیبهشت 1397 - 16 مه 2018، مردم معترض کازرون در میدان شهدای شهر در اعتراض به طرح تقسیم شهرستان کازرون اجتماع کردند. ماموران امنیتی تعدادی از معترضان را بازداشت کرده بودند. جمعی از مردم شامگاه چهارشنبه با تجمع در مقابل کلانتری، خواهان آزادی بازداشت‌شدگان شده بودند که پلیس به طرف آن‌ها شلیک کرد. تصاویری از مجروحان که غرق در خون در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است.

در فیلم‌هایی که در شبکه‌های اجتماعی دست به دست می‌شود صدای شلیک گلوله شنیده می‌شود. یکی از شاهدان عینی به بی‌بی‌سی گفته است: «در پی اعتراضات امروز عصر چندین نفر دستگیر شده بودند و گروهی از مردم در اعتراض به این دستگیری‌ها در مقابل کلانتری شهر تجمع کردند. شلیک تیر ماموران انتظامی جو را متشنج کرد که در نهایت معترضان وارد کلانتری شدند و کلانتری را به آتش کشیدند.»

«کازرونی می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد» از جمله شعارهایی است که در ویدیوهای منتشرشده از تجمع اعتراضی کازرون شنیده می‌شود.

دوشنبه 27 فروردین بازاریان، اصناف و فرهنگیان این شهر در اعتراض به تقسیم شهرستان کازرون به حالت تعطیل درآمدند. 31 فروردین معترضان پرشماری در کازرون، بعد از راهپیمایی در خیابان‌های شهر به مصلی کازرون رفتند و با سر دادن شعارهای مشابهی مانع از برگزاری نماز جمعه شدند.



معترضان کازرون، در اعتراض فروردین ماه خود، حتی در مراسم نماز جمعه در مصلاهی این شهر شعار سر داده و امام جمعه کازرون را «بی‌عرضه» خوانده بودند. «دشمن ما همین جاست، دروغ می‌گن آمریکاست» از جمله شعارهای معترضان در آن تظاهرات بود. آن‌ها همچنین خواهان حضور استاندار و وزیر کشور در کازرون و ارائه توضیح از طرف آنان شدند.

سران و مقامات حکومت اسلامی، در مورد وقایع ایران همواره اطلاعات ضد نقیض می‌دهند. به گفته مقامات حکومت اسلامی، ایجاد شهرستان‌های جدید روندی عادی در تقسیمات کشوری است که بر اساس «بررسی‌های کارشناسی» انجام می‌گیرد.

اما بهرام پارسایی، عضو هیئت رییس فراکسیون امید مجلس و نماینده شیراز در مجلس شورای اسلامی، در اواخر فروردین ماه در گفت‌وگو با خبرگزاری ایلنا، ریشه و علت اصلی اعتراض مردم کازرون را «مسائل معیشتی و اقتصادی» دانسته بود.

اسحاق جهانگیری، معاون اول رییس جمهوری ایران نیز اول اردیبهشت ماه به اعتراضات مردم کازرون پرداخته بود و در نشست گفته بود: «موضوع کازرون باید حل شود، نمی‌شود مردم هر روز به خیابان بیایند و عده‌ای هم بر این موج سوار شده و شعارهای خود را سر دهند. دولت درباره کازرون هیچ تصمیمی نگرفته است.»

اما مردم این مناطق عقیده دارند در طول سال‌های گذشته، توسعه جغرافیایی در شهرستان کازرون به دلیل برخی تبعیض‌ها عادلانه نبوده و این روند به منطقه آن‌ها کمکی نکرده است. معترضین معتقدند در دوران جدید، دیگر بحث تجزیه و تفکیک شهرستان‌ها الزاماً به توسعه و رشد منجر نمی‌شود و چه بسا توسعه جغرافیایی با وحدت و یکپارچگی مردم بهتر حاصل شود.

پس از این اعتراضات، وزارت کشور حکومت اسلامی ایران، مجبور به عقب‌نشینی شد و با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد که طرح پیشنهادی برای تقسیم شهرستان کازرون متوقف شده است.

هنوز آمار دقیق کشته و زخمی‌های حمله وحشیانه ماموران دولتی به تجمع مردم مشخص نیست. پیش‌تر استاندار فارس از کشته شدن یک نفر و «چند زخمی» خبر داده بود اما در

ادامه در ص 7

کمون

نشریه «پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران» هر دو هفته یک بار منتشر می‌شود.

سردبیر: بهرام رحمانی

bahram.rehmani@gmail.com

همکاران نشریه: غزال علیایی، سارا محمدی، اهون چیاکو، جلال سبزواری، وحید محمدی، امین قضائی، شاهین محمدی، مراد عظیمی و بیژن رنجبر.

هماهنگ‌کنندگان «پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران»:

* بهرام رحمانی

امیل آدرس:

bahram.rehmani@gmail.com

شماره تلفن: 0046-707474336

* اهون چیاکو

امیل آدرس:

ehwen.chiyako@gmail.com

شماره تلفن: 0046-737245857

امیل آدرس پلاتفرم:

pdjkh.i@gmail.com

از رؤس راهکارهای «پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران»:

پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران همه جنبش‌های ملی دموکراتیک خلق‌های ایران، نیروهای چپ، سوسیالیست، کارگری، سکولار، آنارشیزست، آزادی‌خواه و عدالت‌جو را در ایران، منطقه و در سطح جهانی به مبارزه فعال و متحد بر علیه جمهوری اسلامی دعوت می‌کند.

پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران، صریحاً اعلام می‌کند که کنفدرالیسم دموکراتیک، حقوق جهان‌شمول انسان را حقوق مسلم شهروندان می‌داند و با سرنگونی جمهوری اسلامی و تغییر حاکمیت کنونی ایران، همه این حقوق را به عنوان مبنای قوانین جامعه قرار خواهد داد.

پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران، از همه خلق‌های ایران و مردم آزاده و برابری‌طلب، سازمان‌ها و احزاب سیاسی مردمی، تشکلهای توده‌ای، کارگری و فعالین سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دعوت به همکاری و پیوستن به این پلاتفرم می‌کند.

سخن رانی «سیامند معینی»

به زبان کردی

در کنفرانس بروکسل / 11 ژانویه 2018

به هۆی کهمی کات و نه‌بونی ده‌رفه‌ت بۆ بابه‌ته‌که‌ی که قه‌رار بو له کۆنفرانسی بزوته‌وه و گهلانی نیران له پارلمانی نورویا له بروکسل قسه‌ی له سهر بکه‌م، له‌م چوارچێوه‌ی خواره‌وه دابو، نێستا به ده‌رفه‌تی ده‌بینم که به نوسراوه پێشکەشی بکه‌م.

له گهل سلایکی گهرم و شۆرشگیزی بۆ میوانان و به‌شداربووان

سیاس بۆ یارمه‌تیده‌ران و پێکهێنه‌رانی نهم کۆنفرانسه و نه‌و نه‌هاد و که‌سانه‌ی که سه‌پۆن‌سری پێکهێنانی نهم کۆنفرانسه‌یان کردوه.

وه‌ک هه‌مو پاتێلێسته‌کان کاتی منیش زۆر که‌مه و ناخافه‌تیکی نێدۆلۆژیک-تۆرێکی به‌رفراوان له به‌رده‌سته، به‌لام تێده‌کو‌شم زۆر به کورتی باسه‌که‌م پێشکەش بکه‌م و به‌شێک له مه‌به‌سته‌که‌م که له گهل رێلایته‌ی نهم سه‌رده‌مه گرێدراوه قۆرموله‌ی بکه‌م.

کۆمه‌لێک وشه‌ی کلیدی هه‌ن که له مه‌فاهیمی کۆنفدرالیزمی دیمۆکراتیکدا به‌رده‌وام وه‌بهر چاو ده‌که‌ون وه‌ک: ساختاری کۆنفدرالیزم، دیمۆکراسی، پاراستنی ره‌وا، نابوری کۆمۆنال، ژینگه‌پارێزی، تێبهراندنی جنسیه‌ت پارێزی، خۆبه‌ریوه‌به‌ری دیمۆکراتیک، تێبهره‌شتن له جیاوازی پێکهاته‌کانی کۆمه‌لگا. نه‌مانه وشه‌گه‌له‌یک که گرێدراوی نهم پارادایمه‌ن که له ناو دیسکۆرسی نهم پاتێله باسی لێوه ده‌کردریت. نازادی به که‌سیه‌ته‌ی نازاد ده‌سته‌به‌ره‌ ده‌ییت. که‌سیه‌ته‌ی نازاد له کۆمه‌لگه‌ی نازاد ده‌توانیت هه‌ناسه‌ بکێشیت و کۆمه‌لگای نازاد پێویستی به دیمۆکراسی هه‌یه.

له ژێانی نێستان، گه‌یه‌شتن به حه‌قیقه‌تی راستیه‌کان به واتا و به نه‌رزشه، گهران به دواي حه‌قیقه‌ت نه‌رزشه‌نده‌ترین لێگه‌ری نیسانه. به واتایه‌کی تر نیسان مە‌وجودیه‌که که حه‌قیقه‌ت مومکین ده‌دات.

کۆنفدرالیزمی دیمۆکراتیک ده‌توانین ناوا پێناسه بکه‌ین که هاوکاری دیمۆکراتیک و ناده‌وله‌تی کۆمه‌لگاکان و کۆمه‌لگانه. یانی ساختاری ده‌وله‌تی و یه‌ک پێکهاته‌یی و یه‌ک نه‌توه‌بی ده‌سته‌لاتخوازه‌ی نیه، نهم سه‌یسته‌مه ته‌نیا پشته به کۆمه‌لگا ده‌سپێرێ. کۆمه‌لگه‌یه‌کی نه‌خلاق، سیاسی و فره‌ده‌هه‌یه. بۆیه له به‌رامبه‌ر ناسیۆنالیزمی کویری ده‌ستکردی رۆژه‌لاتی ناوه‌راست چاره‌سه‌ریه. رۆژه‌لاتی ناوه‌راست تا سه‌ر نێسفان دارماوه و شه‌ر و دۆژمی نابینی و نیتێکی شیرازه‌ی کۆمه‌لگه‌ی تیکداوه و نهم کێشانه‌ی کۆمه‌لگا، ته‌نیا ده‌وله‌تان به‌ره‌مه‌یان لێ هه‌لێنچاوه و سویدیان لێوه‌گرته‌وه. پێویسته جیاوازی سه‌یستمی ده‌وله‌ت نه‌توه‌ و کۆنفدرالیزمی دیمۆکراتیک له بواری ژنهنیه‌تی و فه‌لسه‌فی و پراکتیکی به باشی ببین و له جیاوازیه‌کان تێبگه‌ین. سه‌یسه‌تی ده‌وله‌ت نه‌توه‌کان له ناوچه‌که یه‌که‌ده‌ست سازی و له ناوهرده‌ی هۆیه‌ته‌کان و جیاوازیه‌که‌نه.

ده‌وله‌ته‌کانی ناوچه‌که، ده‌سته‌لاتخواز، شه‌رفروش و هه‌یولایه‌کن بۆ کۆ کردنه‌وه‌ی زۆرترین سه‌رمایه و چه‌ول ده‌دن تا به که‌لک وهرگرتن له شو‌عاری ملی گه‌رایانه خه‌لک بۆ لای خۆیان راگیرین و به بێ گه‌یه‌ی له خزمه‌ت خۆیانی گرن و هاوکات به ناوی حه‌قوق وه‌ک شه‌هروه‌ندی تاک

و بێ نه‌خلاقێ ده‌ره‌نین. ده‌سته‌کوه‌تی ده‌وله‌ت نه‌توه‌کانی ناوچه‌که تا نێستا بۆ گهلان ته‌نیا فرمیسک و خۆین بووه و به‌س و ناتوانیت له داهاوتوش سه‌قامگیری و نازادی بۆ کۆمه‌لگا ده‌سته‌به‌ره بکات نه‌ویش به هۆی ناوه‌رۆک و ماهیه‌تی ته‌ک بۆ عدی روانین بۆ کۆمه‌لگه‌یه.

گهلانی نیران سالپانیکه له ژێر سوله‌تی هه‌لاوارین، نێستیدا، ناوه‌ندگه‌ریی و دیکتاتۆریه‌ت ژیان ده‌یه‌نه سه‌ر، به هۆی نه‌بونی ئالترناتێویکی گونجای سه‌یستمی سیاسی و مودیریته‌ی تایبه‌ت به کۆمه‌لگا، تا نێستا خه‌باتی گهلان وه‌یزه پێشکەوتوخوازه‌کان ده‌سته‌کوه‌تی به‌رچاوی نه‌بوه. تا نێستا نۆپۆزیسیۆن بۆ ته‌نیا نۆپۆزیسیۆنی خۆی، و سه‌یستمی ده‌وله‌تی توانیوه‌تی له‌م به‌ریلایه‌ نه‌و‌په‌ری که‌لک وهرگرت، شووینیزی ده‌سته‌لات له بواری نیتێکی و ده‌یی به‌شیکه له‌م به‌ره‌سته و له به‌رامبه‌ردا ناسیۆنالیزمی ته‌نگ و کویر ساز ده‌کات که تێبهره‌شتن و دیته‌ی راستیه‌کان و چاره‌سه‌ری سه‌رده‌میانه به‌م رێکاره مومکین نابیت.

له مژاری مودیریته‌ی کۆمه‌لایه‌تی، دیته‌ی جیاوازی له نیوان شینواری ده‌سته‌لاتداری و شینوازه‌کانی نۆتۆمی یان خۆبه‌ریوه‌به‌ری دیمۆکراتیک گرێبکه‌ی کلیدی له چاره‌سه‌ری به‌ره‌تی کۆمه‌لگادا هه‌یه. تا کاتێک که جیاوازی ریشه‌یی له نیوان نهم دوو پارادایمی مودیریته‌ی جیا نه‌کرێته‌وه و شه‌فاف سازی نه‌کریت، هه‌مو نه‌و رینگا چارانه‌ی که پێشکەش ده‌کړین، بنگه‌ی کار و جیه‌جی کردنی نابیت. تا کاتێک مودیریته‌ی به‌ریوه‌به‌ری کۆمه‌لگا به شینواری نازادانه به‌ریوه‌ نه‌چیت، هه‌مو کێشه‌کانی تر بێ چاره‌سه‌ری ده‌میننه‌وه و له گهل بو‌یه‌سه‌ستی مودیریته‌ی توش ده‌بن و کێشه‌کان قو‌لتر ده‌بنه‌وه.

دیمۆکراسی پرۆسه‌یه و له پراکتیک دا خۆی جێگیر ده‌کات و به نیراده‌گه‌رایانه به بێ بنگه و بنهما له گهل رێلایته‌ی کۆمه‌لگا نامۆ ده‌مینته‌وه، له پرۆسه‌ی دامه‌زراندنی کۆنفدرالیزمی دیمۆکراتیک، هه‌ده‌ف و نامانج دیمۆکراسی و نازادی له ناو هه‌مو ته‌یفه‌کانی ژێانی کۆمه‌لگادا. ناتوانین ساختاری کۆنفدراتیو هاوته‌رازی دیمۆکراسی سروشتی بخرخنین. نه ته‌نیا کۆنفدرالیزم به‌لکو هه‌یچیک له ساختاره‌ سیاسییه‌کان به ته‌نیا ناتوانیت دیمۆکراتیک بێت، هه‌ر وه‌ک چۆن فدراسیۆنیکیش ده‌توانیت دیمۆکراتیک نه‌بیت. به واتایه‌کی تر کۆنفدرالیزمی دیمۆکراتیک نه‌تێجیه به‌ره‌می به ریکخستنی دیمۆکراتیکی کۆمه‌لگه‌یه له هه‌مو بواره‌کانی ژێانی کۆمه‌لگادا، یانی خۆ به‌ریوه‌به‌ریه‌ک که له ژێر کۆنترۆلی ده‌وله‌ت دا نیه و ده‌وله‌تیش نامانج ناگریت.

کورد له هه‌ر به‌شێکی کوردستان ده‌توانیت له پێوه‌ندی کۆنفیدرالدا له گهل یه‌کتر له پێوه‌ندی دابن به بێ گۆرینی سنوره‌ سیاسییه‌کانی نه‌مرو، هاوکات

نه‌توه‌کان و پێکهاته‌کانی تریش له ناوچه‌که به‌م قۆرموله ده‌توانن خۆبه‌ریوه‌به‌ری دیمۆکراتیکی خۆیان نێداره بکه‌ن. به‌و شێوه‌یه کورده‌کان ده‌توانن بینه‌ پرده‌ی پێوه‌ندی له نیوان ولاتانی ناوچه‌که و نه‌و پێوه‌ندیه‌ سیاسی، کۆلتوری، نابوری و... به هه‌ژتر بکات. بۆ چاره‌سه‌ری کێشه‌ی گهلان که ولاته‌که‌یان له نه‌نجامی سازبونی ده‌وله‌تی مودیریتی رۆژه‌لاتی ناوه‌راست، پارچه‌ کراوه مۆدیلێکی ناقلمه‌ند پێویسته. نازهریه‌کانیش و به‌لوچه‌کانیش هه‌مان گرفتیا هه‌یه. کۆلتوری نازهریش له ژێر هه‌یرشه‌کانی قه‌لبی ته‌ک فه‌ره‌نگی نیرانی ده‌وله‌ت نه‌توه‌ چه‌ماوه‌توه. راسته ده‌وله‌تێکی نازهری هه‌یه به‌لام نه‌ی توانیوه و ناش توانی ناسنامه‌ی نازهری له پرۆسه‌ی گلوبالیزم به‌رازیت.

گه‌لی نازهری له گهل نه‌و هه‌موه‌ کۆلتور و پێشینه‌ی سیاسی و نه‌خلاق، نێستا، شایانی نهم ژێانه‌ نین. له شۆرش مه‌شروته، خه‌بات بۆ سوسپالیزم و شۆرشی دژی سه‌تمه‌گه‌ری پاشایه‌تی نیران تیکۆشانیان کردوه و له نێستادا ده‌میک له قه‌لبی دینی ده‌وله‌تی لێیان ده‌دن و ده‌میکیش به‌ بجه‌رمه‌تی به زمان و کۆلتوره‌که‌یان و نه‌دیته‌ی رۆلی سیاسی و میژووبیان له نیران و ده‌میکیش به‌ سازکردنی میژوی چه‌واشه‌کارانه و درۆ، ده‌وله‌ت ده‌ی هه‌وین ریشه‌یان وشک بکات. نازهریه‌کان نه‌توه‌یه‌کی سه‌تم لێکراو و نازارچێشتون، کورد نهم ده‌رده‌ باش تێده‌گات. لێک تێبهره‌شتنی نه‌توه‌کان و پێکهاته‌ جیاوازه‌کانی ناوچه‌که گرێبکه‌ی تایبه‌تی هه‌یه بۆ چاره‌سه‌ری قه‌یرانه‌کان، تا نه‌و زانسته نه‌ییت ناسته‌مه نارامی سه‌قامگیر بێت. کۆنفدرالیزمی دیمۆکراتیک به‌شدارێ هه‌مو لایه‌ک ده‌خوازیت و واتای قۆرمیک له مودیریته‌ی به‌ریوه‌به‌ری سیاسییه که له سه‌ر ره‌زایه‌ت و به‌شدارێ هاو‌به‌شی که‌سه‌کان و کۆمه‌لگاکان دادمه‌زدریت. نمونه‌ی نهم شینوازه ده‌توانین دیمۆکراسی ناتین ناو به‌رین و له نێستادا رۆژاوی کوردستان نمونه‌یه‌کی به‌رچاوه. نه‌و شینوازه به‌ریوه‌به‌ریه هه‌یچ ته‌زادیکی له گهل ساختاری یونته‌ری ده‌وله‌ت نیه، چۆنکو نامانج هه‌لگریتی سنوره‌کان نیه. نه‌وه‌ی که گرنگه‌ رۆژه‌لاتی ناوین پێویستی به وه هه‌یه که له‌م قه‌یران و کانونه‌ بێته‌ دهر و به‌و هۆیه پێویستی به‌م پارادایمه هه‌یه. له کانونی رۆژه‌لاتی ناوین و نه‌و دژایه‌تییه که له ناو‌به‌ینی نه‌توه‌کان و نایینه‌کان ساز کراوه نه‌گه‌ر چاره‌سه‌ریه‌کی به‌ره‌تی و دیمۆکراتیک نه‌دۆزێته‌وه، ده‌بێته سه‌په‌ب که هه‌زاران که‌س قه‌تلوعام بکړیت و به میلیۆنه‌ ناو‌اره ببن، بۆیه رینگا چاره ته‌نیا رینگا چاره‌ی دیمۆکراتیکه و شینواری ده‌وله‌ت نه‌توه‌

جوابده‌روه‌ی نهم پرسه نابیت. ولاتی هاو‌به‌ش پێویسته و نه‌ویش بریتیه له نه‌و جو‌غرافیایه‌ی که کورد و نازهری و عه‌ره‌ب و به‌لوچ و نه‌توه‌کانی تر ژێانی تێداده‌کهن، نورمیه و سه‌لماس و نه‌عه‌ده نه‌وه‌نده نیشتمانی نازهریه که به هه‌مان نه‌نداره نیشتمانی کوردانه. به واتایه‌کی تر له مۆدیلی کۆنفدرالیزمی دیمۆکراتیک به روانگه‌ی نه‌توه‌گه‌ریی و پوانخوازی چاو له نیشتمان ناگریت، به‌لکو به‌هاکانی نازادی و به‌رامبه‌ری و ژێانیکی سه‌ریه‌ست بنهما ده‌گیردریت.

ادامه‌ در ص 7



تجزیه طلب یا حق طلب!

بیژن رنجبر

چرا به نیروها و جنبش‌های حق طلبانه که خواستار حقوق برابر ملی و انسانی و به رسمیت شناختن مختصات فرهنگی و زبانی خاص خود هستند، بدون آن‌که داعیه برتری جویی بر سایرین داشته باشند، نیروها و جنبش‌هایی که تنها و تنها علیه انکار، سرکوب و نادیده انگاشته شدن و در راستای برخورداری از زندگی آزاد و مناسبات عادلانه و حقوق برابر با دیگران، مبارزه می‌کنند، تجزیه طلب اطلاق می‌شود؟

به گمان من، علت غایی در یک کلام همانا عبارت است از هموار نمودن مسیر سرکوب همه جانیه آن‌ها. به خاطر این علت پایه‌ای، به چنین نیروها و جنبش‌هایی تجزیه طلب اطلاق می‌گردد تا مقدمات موانع ذهنی، ایدئولوژیکی و سیاسی سرکوب عملی آن‌ها رفع شود تا سپس نیروی سلطه‌گر مسلط قادر گردد به روند سرکوب عملی و همه جانیه جوامع و ملیت‌های فرودست و نیروها و جنبش‌های مدافع آن‌ها مشروعیت ببخشد.

شایان ذکر است که ریشه پیدایش مفهوم تجزیه طلبی را بایستی در فرهنگ سیاسی متعلق به پروژه تاریخا شکست خورده دولت - ملت و شوونیسم برآمده از فرهنگ سیاسی سلطه‌گرایی این نهاد به شدت ناسیونالیست و خاک‌پرست که در مقام انکار ملیت‌های فرودست، تنها ناسیون متعلق به خود را به رسمیت می‌شناسد، جستجو نمود.

فصل مشترک کلیه دولت - ملت‌های سلطه‌جو در طول تاریخ سرمایه‌داری، در تمامی نقاط جهان، هر کجا که دولت - ملتی زمام امور را به دست گرفته و بر سرنوشت و شئون زندگی سیاسی و اجتماعی انسان‌های تحت سلطه خویش چنگ انداخته، در مقابله و ضدیت با مسئله جوامع فرودست و ملیت‌های تحت ستم و رد حقوق دموکراتیک و انسانی آن‌ها، استعمال مداوم و مکرر مفهوم تجزیه طلبی در ادبیات سیاسی خود در راستای انکار موجودیت فرودستان بوده است.

از همین منظر، تجزیه طلبی به مثابه گناهی نابخشودنی، به عنوان جرم و ناسازی سیاسی، مفهوم مشترک فرهنگ و ادبیات سیاسی کلیه دولت - ملت‌های تاکتونی است. این مفهوم یا استناد به گزاره «اریک هابسبام»، در حقیقت بایستی چون «سنتی» در نظر گرفته شود که همانا ساخته و پرداخته کسانی است که با در دست داشتن ارکان نهاد سرکوبگر دولت - ملت فرادست، به آن نیاز داشتند تا با جا انداختن آن، بر فرودستان به صورت زورمدارانه حکم و فرمان برانند. در واقع مفهوم تجزیه طلبی تاریخا برآمده از ایده‌ای است که مبنای بی‌چون و چرأ و پایه مفروض سیاسی آن در راستای حفظ تمامیت ارضی و نگهداشتن جوامع و ملیت‌های گوناگون و لیکن با حقوق نابرابر و مناسبات ناعادلانه در چارچوب یک جغرافیای سیاسی معین، زور است و نه اختیار و یا اراده آزاد معطوف به تعیین سرنوشت.

چدا از موضع دولت - ملت‌گرایان که مبنای آن شوونیسم است، شاید گروهی از منظر سوسیالیستی و انسان‌دوستانه و با تاکید بر تحکیم همبستگی انترناسیونالیستی میان فرودستان، ایراد بگیرند که تجزیه طلبی، چنانچه از نامش پیداست، سبب گسست، تفرقه

و پراکندگی می‌گردد و در ذهن مخاطب امری منفی و ناقض همبستگی جوامع انسانی و خلق‌ها را تداعی می‌کند.

روشن است که اتحاد و همبستگی نخست بایستی متضمن برابری همگانی باشد، یعنی در چارچوب یک اتحاد و همبستگی دموکراتیک و انسانی، نمی‌توان از وجود ملت فرادست و ملت فرودست، بالایی‌ها و پایی‌ها سخن گفت. اگر چنین باشد آن



همبستگی و اتحاد اولاً ناظر بر نابرابری و بی‌عدالتی است، ثانیاً اتحادی غیردوطلبانه را شکل می‌دهد که پایه و اساس آن زور است. مضاف بر این چنانچه در چنین شرایطی مبارزات دموکراتیک ملیت‌های فرودست در راستای رفع ستم و فرودستی تحمل نگردد بلکه سرکوب گردد و به نتیجه نرسد و بدین ترتیب مناسبات سیاسی و حقوقی میان جوامع و ملیت‌های ساکن در یک جغرافیای سیاسی معین، برابر و عادلانه نباشد، تجزیه طلبی یعنی جدایی به عنوان آخرین راه حل نه تنها برخلاف تفکر شوونیستی برخاسته از نهاد دولت - ملت فرادست و مدافعان آن، جرم نیست بلکه مشروع و یگانه راه آزادسازی جوامع و ملیت‌های فرودستی است که قربانی مناسبات زورگویانه دولت - ملت سلطه‌گر و هدف دستگاه نظامند انکار، تحقیر، ستم، بی‌حقوقی، تجزیه و آسیمیلیسیون فرهنگی و تاریخی آن واقع شده‌اند.

با این حال نمی‌توان منکر این واقعیت گردید که ملیت‌های فرودست و نیروهای سیاسی مدافع آن‌ها در جریان مبارزات خود برای دستیابی به حقوق برابر و رفع ستم‌گری ملی، ممکن است دچار خطا و حتی انحراف از جمله دست‌خوش گرایش‌های ناسیونالیستی، دولت‌گرا و نیز دیگرستیزانه گردند که با فلسفه و آرمان و آرزوهای آزادی‌خواهانه و انسانی‌شان در تضاد قرار دارد و بدین‌سان از یک‌سو به جای نشانه رفتن موجودیت دولت - ملت سلطه‌گر مسلط، خود در گام نخست به استقبال تشکیل دولت - ملت ذاتا سلطه‌جوی دیگری بروند و از سوی دیگر، اعضا و احاد ملت فرادست را که به نوبه خود در زمره قربانیان سیستم مسلط اند، هدف مبارزات و تبلیغات خویش قرار دهند.

با این وصف، حتی این چنین خطاها و انحرافات گرچه غیرقابل قبول‌اند و لیکن تا حدی قابل درک هستند، زیرا می‌دانیم وقتی کسی را زیر فشار می‌بریم، فریاد می‌زند، طبیعی است که در حال فریاد زدن گاهی هم از منطق دور و به خطا نزدیک شود، اما پرسش

کلیدی همانا عبارت از این است که چرا بایستی زیر فشار باشد تا ناگزیر فریاد بزند و به خطا رود. بنابراین، نخست فشار را برداریم تا سپس شاهد رفتارها و نتایج منطقی باشیم. در همین ارتباط لازم به توجه است که هرگاه به درستی در نقد و رد گرایش‌های ناسیونالیستی و دیگرستیزانه در میان جوامع و ملیت‌های فرودست سخن بگوئیم، ولی بلافاصله به ستم‌گری ملی و اجحافات مضاعفی که

بر ملیت‌های تحت ستم تحمیل می‌شود و نیز راه حل دموکراتیک برون‌رفت از آن نپردازیم، چه بخواهیم و چه نخواهیم بر وزن شوونیسم دولت - ملت فرادست افزودیم. از منظر دیگری، با عطف به تاریخ روند جعل‌سازی و تولید سنت‌ها به نحوی که هابسبام اشاره می‌کند، همان‌گونه که تمامی فاکت‌های تاریخی نشان می‌دهند، چنانچه بپذیریم که ظهور پدیده ملت ناگزیر نبوده است، دولت نیز نیایستی به مثابه امر و ضرورتی تاریخی و اجتناب‌ناپذیر معرفی گردد و بدتر آن‌که برای رهایی از وضعیت ناعادلانه موجود باز به آن رجوع شود. در واقع آن گروه‌ها

و طبقات اجتماعی که منافع انحصاری و سلطه‌جویانه خود را تعقیب می‌کردند، دولت را به عنوان نهاد مدیریتی جامعه که گویا در فقدان آن شیرازه حیات اجتماعی بشر از هم خواهد پاشید، به ما قالب کرده‌اند تا بر ما فرمان برانند. حقیقت آن است که سیر تاریخ تمدن بشر به همراه تکامل تمامی نهادهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی از ما بیگانه شده‌اش نظیر دولت، لاقدر در دوپست سال گذشته به ویژه بعد از انقلاب 1789 فرانسه، می‌توانست در مسیر دیگری جز آن چیزی که رخ داد، اتفاق بیفتد.

گذشته از این به رغم تاکید صحیح بر جعلی بودن پدیده ملت از رهگذر پروسه سنت سازی‌های تاریخی که همواره منافع مشخص طبقات و گروه‌های معدودی را تعقیب کرده است، باید توجه داشت وقتی در خصوص ملت فرودست سخن می‌گوئیم، دیگر با پدیده‌ای جعلی و برآمده از سنت‌سازی‌های متاخر عصر سرمایه‌داری روبرو نیستیم، زیرا در این‌جا وقتی از ملت سخن می‌گوئیم، منظور نه دولت یا کشور بلکه مردم تحت ستم و فرودستی می‌باشد که فاقد دولت است. سنت‌سازی و جعلی بودن مفهوم ملت تنها در ارتباط تنگاتنگ با نهاد دولت - ملت معنادار و قابل تبیین است. از این‌رو، لازم است تا از مفهوم ملت به معنای مردم تحت ستم و بی‌دولت در مقابله با سلطه مفهوم جعلی آن یعنی نهاد دولت - ملت دفاع کنیم.



ما باید با استراتژی خودمان...

هدفمند روی بیاورند شکی نیست که هیچ نیروی دولتی توان مقابله با آن جنبش سراسری را نخواهد داشت و جامعه به سرعت مسیر تغییرات را طی خواهد کرد. یک نقطه مهم این است که اختلافات را به رسمیت بشناسیم و با این شناخت، بتوانیم جلو این همه پراکندگی و جدایی و فرقه‌گرایی و سکتاریسم را بگیریم. اگر واقعا به ساختن یک جامعه بدون طبقه و بدون استثمارکننده و استثمارشونده و آزاد و برابر سوسیالیستی باور داریم پس این همه تشنگی و پراکندگی و خودمحوربینی چیست؟ آیا هنوز زمان آن نرسیده است که فعالیت‌های تانکونی مان را جدی و پایه‌ای مورد بحث و بررسی و نقد قرار دهیم؟ آیا خطر گرسنگی و جنگ که اکنون زنگ در خانه ما را به صدا درآورده است نباید از خواب و رویای خودمحوربینی و خودستایی و فرقه‌گرایی بیدار شویم و دست خود را به سوی هر فرد و جمع آزاده‌ای دراز کنیم! و یا دستی که با صداقت به‌سوی ما دراز می‌شود به گرمی بفشاریم!

بنابراین سرنگونی حکومت اسلامی ایران برای ما، یک حرکت تاکتیکی است و استراتژی ما، رد قاطع «دولت - ملت» و برپایی مجالس و مجامع عمومی با روابط و مناسبات شورایی و دموکراسی مستقیم است. استراتژی ما این است که فرهنگ جامعه طوری تغییر کند که مردسالاری به‌طور ریشه‌ای از جامعه رخت بربندد؛ کودکان و نوجوانان تا 18 سالگی آموزش و پرورش، بهداشت و درمان رایگان برخوردار باشند؛ بازنشستگان جایگاه شایسته خود را پیدا کنند و در رفاه و شادی و امنیت زندگی کنند؛ حفاظت از محیط زیست به فرهنگ عمومی شهروندان تبدیل گردد؛ زندان‌های سیاسی و اجتماعی برجیده شوند تا هیچ انسانی به دلیل بیان باورهایش زندانی نشود؛ آزادی بیان و اندیشه و تشکل برای همگان تامین گردد در چنین روندی است که می‌توانیم گام‌های ماندگاری را در جهت لغو کار مزدی و طبقات برداریم.

ما می‌توانیم استراتژی ضدانسانی کاپیتالیستی داخلی و خارجی را خنثی کنیم. به خصوص اکنون یک استراتژی خطرناکی برای جامعه ما، تدارک دیده شده است. پس از خروج آمریکا از برجام، مایک پمپو، وزیر خارجه آمریکا، در سخنرانی خود در اندیشکده آمریکایی راهبرد و استراتژی جدید آمریکا درباره حکومت اسلامی ایران را شرح داد. پمپو، ضمن اعلام خبر فشار بیش‌تر بر حکومت اسلامی ایران، اعلام کرد ایالات متحده آماده مذاکره با تهران در صورت تغییر رفتار حکومت اسلامی ایران است.

پمپو صبح دوشنبه 31 اردیبهشت - 21 مه، در جریان نخستین سخنرانی خود با عنوان «نقشه راه برای ایران»، گفت: برجام اجازه داد که حکومت ایران تمام پول‌های بادآورده را بفرستد برای نیروهای نیابتی از جمله حزب‌الله و حماس و قاسم سلیمانی پول‌های برجام را برای آشوب و خونریزی استفاده کرد.

او افزود: سپاه پاسداران در سوریه میداین کشتار راه انداخته است. 6 میلیون نفر در داخل سوریه آواره شدند و 5 میلیون نفر در خارج سوریه. در عراق شبه‌نظامیان را راه انداخت. در یمن دخالت حکومت ایران برای مردم این کشور گرسنگی به بار آورد. این‌ها همه بعد از برجام بوده است.

پومپو در سخنرانی خود گفت که استراتژی جدید آمریکا به منظور «مقابله با رفتار ایران در پشتیبانی از تروریسم و بر هم زدن ثبات در منطقه» اتخاذ می‌شود.

به‌گفته پومپو، این استراتژی شامل سیاست‌های کلی آمریکا در قبال برنامه‌های هسته‌ای و موشکی ایران و همچنین ادامه سرکوب اعتراض‌های مردمی برای تغییر و نقض حقوق بشر هم می‌شود.

این سخن‌رانی، حدود دو هفته پس از آن ایراد شد که دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا، سه‌شنبه 8 مه با فاجعه بار خواندن توافق هسته‌ای با ایران، خروج آمریکا از این توافق را اعلام کرده بود.

پس از این اعلام، ترامپ فرمان از سرگیری تحریم‌های ایران را که بر پایه توافق هسته‌ای تعلیق شده بود، امضاء کرد.

توافق هسته‌ای سال 2015، میان ایران و گروه 5+1 متشکل از آمریکا، بریتانیا، فرانسه، روسیه و چین، پنج کشور عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد، به علاوه آلمان، منعقد شد. برپایه این توافق که به آن برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) هم گفته می‌شود، در قبال محدود شدن برنامه هسته‌ای ایران، تحریم‌های اعمال شده علیه این کشور به خاطر این برنامه، لغو یا تعلیق شد.

آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر حکومت اسلامی ایران نیز شامگاه چهارشنبه دوم خرداد - 23 مه در «مراسم افطاری» مسئولان حکومت اسلامی با اشاره به انصراف شرکت‌های اروپایی از حضور در ایران گفت که نمی‌توان اقتصاد کشور را از راه «برجام اروپایی» درست کرد.

او شش شرط برای ادامه برجام با کشورهای اروپایی مطرح و تهدید کرد که در صورت اجرا نشدن این شرط‌ها، ایران فعالیت‌های گذشته اتمی خود را از سر خواهد گرفت.

«صدور قطعنامه علیه آمریکا در شورای امنیت سازمان ملل»، «مطرح نشدن برنامه موشکی و اقدامات منطقه‌ای ایران در مذاکرات»، «تضمین تجارت با ایران از سوی بانک‌های اروپایی»، «تضمین فروش کامل نفت ایران»، «جبران بدعهدی گذشته» و «مقابله با تحریم‌ها» شش شرط خامنه‌ای برای ماندن ایران در برجام است. او درباره شرط هفتم خود نیز گفت: «اگر اروپایی‌ها در پاسخ‌گویی به مطالبات ما تامل کردند، حق ایران برای آغاز فعالیت‌های هسته‌ای محفوظ است.»

خامنه‌ای، در توضیح شرط اول خود گفت: «سه کشور اروپایی در 13-14 سال قبل (توافق) سعد آباد در دولت محمدخانی یک بدعهدی بزرگی کردند ... باید ثابت کنند امروز آن بی‌صداقتی و بدعهدی را نخواهند داشت.»

او مدعی شد: «در دو سال گذشته آمریکا بارها برجام را نقض کرده است و اروپایی‌ها ساکت مانده‌اند. اروپا باید آن سکوت را جبران کند.»

خامنه‌ای، همچنین با بیان این‌که «آمریکا با خروج از برجام قطعنامه 2231 شورای امنیت سازمان ملل را نقض کرده است» خواستار آن شد که «اروپا یک قطعنامه علیه نقض آمریکا، صادر کند.»

اما سران کشورهای اروپایی، با این‌که از خروج آمریکا از برجام ناراضی بوده‌اند اما درباره برخورد با رفتارهای بی‌ثبات ساز حکومت اسلامی و توقف برنامه موشکی این کشور با آمریکا هم عقیده هستند.

رهبران اروپایی در صوفیه بلغارستان، تاکید کرده‌اند که می‌خواهند به برجام پایبند بمانند، اما با ایران در باره مسائل دیگر نیز گفتگو کنند.

آنگلا مرکل صدر اعظم آلمان، ضمن این‌که ضرورت حفظ برجام را می‌پذیرد، اما معتقد است که برجام ایرادهایی دارد و اگر ایران بخواهد برجام را حفظ کند باید امتیازهایی بدهد...

امانوئل مکرون، رئیس‌جمهوری فرانسه به‌طور مشخص گفته است: هدف ما حفظ توافق با ایران است که در سال 2015 امضاء شد. همچنین می‌خواهیم از منافع شرکت‌هایمان حفاظت کنیم.

به‌نظر من در چنین شرایطی، مهتر از همه مسائل داخلی ایران است. چرا که اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران، بسیار ملتهب و آبستن حوادث مختلف است به‌طوری‌که هر اتفاق ساده‌ای بلافاصله به رو در رویی معترضین با نیروهای سرکوبگر حکومت اسلامی تبدیل می‌شود و به یک معضل سیاسی تبدیل می‌گردد.

ما در عین حالی که مخالف تحریم‌های اقتصادی ایران و هر کشور دیگر و همچنین مخالف جنگ و خونریزی و کشورگشایی حکومت‌ها هستیم اما آلت‌رناتیو شفاف ما این است که حکومت اسلامی ایران در سطح بین‌المللی، بایکوت سیاسی شود.

سران و نمایندگان این حکومت، به هر کشوری وارد شدند به دلیل جنایت علیه بشریت، دستگیر شوند و در دادگاه‌های بین‌المللی بی‌طرف محاکمه گردند؛ به این حکومت جنگ‌افزار و دستگاه‌های شکنجه و دستگاه‌های جاسوسی نفروشد؛ کنسولگری‌ها و سفارتخانه‌ها این حکومت بسته شود و با اخراج دیپلمات تروریست‌ها، این مراکز به دفاتری برای ارائه خدمات به مراجعین ایرانی و غیرایرانی همچون ویزا و غیره تبدیل شوند.

این اقدام مستقیماً حکومت اسلامی را تحت فشار قرار می‌دهد و هیچ فشاری به شهروندان ایران نمی‌آورد در حالی که فشار اصلی تحریم‌های اقتصادی ایران، نخست بر شهروندان عادی وارد می‌شود برای مثال، در حال حاضر قیمت‌ها در بازارهای ایران، از دارو گرفته تا مواد غذایی و سایر کالاهای مورد نیاز مردم، به شدت گران شده و قدرت خرید مردم به‌ویژه مزدبگیران و بی‌کاران و محرومان به شدت پایین آمده است.

نهایتاً ما با تمام قدرت و با کلیه امکانات در جهت سرنگونی کلیت حکومت اسلامی ایران و برپایی یک جامعه آزاد و برابر و انسانی می‌کوشیم. شرایط کنونی، بیش از هر زمان دیگری، مبارزه سیاسی و اجتماعی علیه کلیت حکومت اسلامی را ملموس‌تر و اجتماعی‌تر و عینی‌تر و سراسری کرده است. اکنون نارضایتی عمومی سراسر جامعه ایران را فراگرفته است. خیزش سراسری دی ماه گذشته و شعارهایی که معترضین سر دادند نشان داد که اکثریت مردم ایران و در پیشاپیش همه نیروی جوان و پرشور و پراترزی از حکومت اسلامی ایران نفرت دارند و از هر فرصتی علیه آن بهره می‌گیرند. به نظر من، مادام که حکومت اسلامی در بن‌بست جهل و جنایت و ترور خود، گیر کرده است و بحران‌های داخلی و بین‌المللی و منطقه‌ای آن نیز به اوج خود رسیده است این جنبش‌های اجتماعی و مردم ناراضی و در پیشاپیش لشکر بیکاران جوانان آگاه و تحصیل کرده و همه مردم تحت ستم سراسر است که این فرصت طلایی را از دست ندهند و با تکرار خیزش دی ماه گذشته، اما این بار با قدرت و درایت سیاسی و اجتماعی بیش‌تر و متحد کردن مبارزات جاری و تصویر چشم‌انداز آن، در همه جای ایران از کارخانه‌ها، شهرها، شهرک‌ها، روستاها، مدارس، دانشگاه‌ها، ادارات و محلات متحد و متشکل شوند و دست به اعتصاب و اعتراض بزنند و هیچ‌جا اجازه تحرک به نیروهای سرکوبگر ندهند. در هر محله و منطقه‌ای که مقدور است مجامع و مجالس عمومی خود را با روابط و مناسبات شورایی و دموکراسی مستقیم به وجود آورند و تصمیمات لازم را مشترکاً بگیرند و مشترکاً هم پیش ببرند و در عین حال خود را برای مدیریت جامعه ایران آماده کنند!

قدرت کمونی

اقبال نظرگاهی

قدرت کمونی هم امکان دخالت مستقیم و مستمر شهروندان در مدیریت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جامعه را تعین می‌کند و هم ظرف و شکل مشارکت همگانی آحاد مختلف شهروندان است. دخالت و مشارکت همگانی تنها حق نیست، بلکه ضرورتی است که کمون‌ها به آن جامه عمل روزانه می‌پوشانند و لذا سوسیال‌ترین و دموکراتیک‌ترین نوع قدرت را به نمایش می‌گذارند. اگرچه دخالت در سیاست و اقتصاد و فرهنگی اجباری نیست اما کار و فعالیت روزانه آحاد جامعه مشارکت عینی و بالفعل آن‌ها در اداره جامعه خود است. شوراهای تصمیم‌گیری سیاسی و اقتصادی و فرهنگی هر جامعه منتخبین شهروندان هستند و مستقیماً پاسخگو به آن‌ها. این شوراهای دارای بالاترین اعتبار عملی و عینی و نه الزاماً فکری و تئوری و ایدئولوژیکی سیستم کمونی هستند. اعتبار و اتوریته کمون‌ها از فعالیت مورد تایید اکثریت وسیع شهروندان ناشی می‌شود و نه از تعلق خاطر به سیستم‌های فکری و ایدئولوژیکی رایج در کمون. لذا در سیستم کمونی، عدول از ایدئولوژی و فلسفه سیاسی ممکن است اما تعدی به منافع جامعه و تجاوز به اصول انسانی ناممکن. بدین ترتیب، کمون قدرت سیاسی یا اقتصادی یا نظامی و یا فرهنگی گروهی خاص و معین در جامعه نیست، بلکه شوراهای منتخب شهروندان بر جامعه است. این شوراهای افراد انتخاب می‌کنند و مرکب از افراد هستند پس بیش‌ترین امکان رشد و اختیار و اعمال اراده به فرد داده می‌شود و در عین حال شوراهای بر افراد حکومت نمی‌کنند، بلکه اعمال قدرت‌شان بر جامعه است. سیستم کمونی در جامعه، یعنی همه شهروندان جامعه را برابر و همسطح و بدون تفاوت و تبعیض می‌بیند. کمون با وضع قانون از حق و حقوق هر نوع اقلیتی محافظت می‌کند و در عین حال جامعه را به انواع و اقسام اقلیت‌های رنگارنگ تقسیم نمی‌کند، بلکه همه را فقط شهروند برابر می‌داند. چنین سیستمی از چنان اعتبار و قابلیت برخوردار خواهد بود که بتواند با سازمان‌های غیردولتی محلی و منطقه‌ای و جهانی در همه کشورها رابطه عملی و حمایتی وسیع ایجاد کند و در پروسه اجرایی و سازمان‌دهی خود از تجربه و کمک میلیونی جهانیان برخوردار شود. کمون از یک طرف مانع تمرکز کل قدرت در دست گروهی یا حزبی یا یک ایدئولوژی خاص فلسفی و سیاسی یا مذهبی می‌شود و از طرف دیگر، با نفی دولت - ملت فرصت را به انواع و اقسام دسته‌بندی‌ها و گروه‌گرایی‌های نژادی و فرهنگی و مذهبی و سازمانی نمی‌دهد که جامعه را محل تاخت و تاز خود قرار داده و موجب پریشانی و ناامنی جامعه شوند. دولت کمون با اصول بنیادی و انسانیش و مشارکت وسیع شهروندانش اقتدار جمعی را علیه قدرت‌های مرکزی و جهانی و یا باندها و گروه‌های ضد اجتماعی به اجرا می‌گذارد.



نگاهی اجمالی به پدیده «تابو»

وریا روشنفکر

در این مطلب، سعی می‌گردد بدون ذکر مصادیق تابو به اهمیت آن و عدم توجه به حساسیت موضوع به زعم نویسنده اشاره گردد. در فرهنگ نامه دهخدا واژه تابو چنین تعریف شده: از ریشه زبان پولی - نزی به معنی مقدس و ممنوع.

طبق آیین پولی، شخص یا چیزی را که دارای سبیه مقدس باشد و از تماس با دیگران منع شده باشد را تابو می‌نامند.

تابوها از میان بدوی‌ترین قبایل برخاستند و بعدها به صورت قالبی و قانون‌گذاری‌های پیدا و پنهان در خدمت گرایش‌های اجتماعی و سیاسی در آمدند و کارکردی هم تراز با قدرت و سلطنت قانون، ولی در واقع به صورت غیررسمی داشته‌اند.

فروید در کتاب تابو و توت، تابو را متحمل دو بار معنایی می‌داند از یک طرف به مفهوم مقدس‌گونه و از یک سوی دارای مفهوم اضطراب‌انگیز و خطرناک.

وی، همچنین اهداف تابو را در جوامع کهن به طور کلی این چنین دسته‌بندی می‌کند:

الف- حفظ شخصیت‌های مهم نظیر کشیشان و رؤساء و اشیاء ارزنده در برابر هر نوع گزند ممکن

ب- حفظ ناتوانان مانند زنان، بچه‌ها و مردم عادی در برابر نیروهای جادویی مقتدر در کشیشان و رؤساء

ج- حفظ کسانی که با مرده تماس داشتند و یا از غذاهای ویژه‌ای خورده‌اند و در نتیجه در معرض خطراند

د- پیش‌گیری از اختلالاتی که به هنگام تحقق پاره‌ای از اعمال بزرگ زندگی مانند تولد و ازدواج و رابطه جنسی و ... ممکن است بروز نماید

ه- حمایت از موجودات انسانی در برابر خشم و اقتدار خدایان و شیاطین

و- کمک به بچه‌ها به هنگام تولد و یا حفظ نوزادان در برابر خطرات بزرگی که به سبب وابستگی به اولیاء متوجه‌شان می‌گردد.

تابوهای نخستین منشأ منعیات اخلاقی و پیدایش مذاهب و برخی از خطوط قرمز در روابط اجتماعی در آن دوره و بعدها گردیده‌اند، هرچند که در ماهیت ریشه‌های ملکوتی و تقدسی نداشته‌اند، در این روند جوامع مختلف در هر دوره به تعریف و باز تعریف تابوهای کهن و نو بر اساس منافع قدرت حاکم و در جهت استیلاء بر آحاد و ارکان آن بر آمدند.

ضمن این‌که تقریباً هیچ تابویی در هیچ دوره‌ای از تاریخ یافت نمی‌شود که از طرف بخشی از جامعه هدف، مورد رد یا انکار و مقابله قرار نگرفته باشد.

تابوها و استفاده ابزاری از آن‌ها مختص به زمان گذشته و جوامع سنتی نبوده و امروزه هم در اکثر جوامع که خود را در قالب‌های گوناگون تعریف می‌نمایند نیز بروز و کاربرد دارد.

تعریف یک تابو رابطه مستقیم با ایدئولوژی طبقه حاکم و فرهنگ غالب در آن جامعه دارد و در بسیاری از موارد می‌توان مشاهده کرد چیزی که در یک جامعه به عنوان تابو شناخته می‌شود در جامعه و فرهنگی دیگر امری پذیرفته و اصطلاحاً (نوا) است.

در جوامع ایدئولوژیک امروزه با حکومت‌های مرتجع، می‌توان ادعا نمود که تابوها کارکرد مثبت و پیش‌برنده‌ای ندارند و در واقع یکی از بخش‌های مبارزه علیه قدرت طبقه حاکم، جدال با

تابوها و تلاش در جهت شفاف‌سازی و تقدس‌زدایی از آن‌ها می‌باشد.

در ایران، سال‌هاست که در مبارزه علیه طبقه بورژوازی حاکم چه از نوع سلطنتی و چه از نوع مذهبی، مبارزه با تابو دارای فراز و فرود و تلاطم‌های بسیاری بوده و تا به امروز تقریباً هیچ اثر مدونی در خصوص معرفی و بررسی تابوهای موجود در فرهنگ و اجتماع تهیه نشده است و شاید بتوان گفت که حتی از تابو بحث کردن ولو در محافل علمی خود یک تابو به حساب می‌آید.

هر جامعه‌ای که تعداد تابوهای آن بیش‌تر باشد در واقع افراد آن جامعه را به سمت خود سانسوری، ترس از ابراز عقیده و نوعی تابعیت سیستمی سوق می‌دهد و به تدریج فرهنگ عدم مبارزه جهت احقاق حقوق در آن جامعه نهادینه می‌گردد. البته همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره گردید این رویه امکان دارد به صورت کاملاً وارونه عمل نماید و جامعه در بخشی از مبارزه خود علیه طبقه حاکم عامدانه و هوشمندانه به تابوشکنی، حتی به صورت رادیکال اقدام نماید.

تابو پروری در جامعه، منجر به شکل‌گیری روابط و کنش‌های اخلاقی و اجتماعی پیچیده و تا حدی غیرقابل تحلیل می‌گردد که از آن جمله می‌توان به ایجاد پدیده انومی یا بی‌هنجاری در آن جامعه اشاره کرد.

صدمات اجتماعی متعدد، در جامعه‌ای که تابو گرایی در آن غالب است منجر به ناهنجاری‌ها و صدمات جبران‌ناپذیری می‌گردد و ترس از بی‌آبرویی به عنوان کهن‌ترین تابو (آبرو می‌تواند دارای بار مثبت هم باشد) همیشه عامل بروز فجایع بسیاری چه به صورت فردی و چه به صورت اجتماعی در طول تاریخ گردیده است.

تابوها امروزه در کلیه مفرقه‌های بشری چه اجتماعی و چه سیاسی و حتی اقتصادی به اشکال مختلف بروز و ظهور نموده و به طور کلی به عنوان یک سوپاپ اطمینان در حفظ منافع نظام حاکم عمل می‌نمایند.

در دنیای امروز، تابوها شاید از نظر فرمی و بعضاً محتوایی تغییر یافته باشند اما از نظر کارکردی کماکان جزء ابزار قدرت و وسیله مشروعیت به آن محسوب می‌شوند.

برای مبارزه با تابو گرایی، باید ابتدا جامعه آن را به عنوان یک نابه‌هنجار بشناسد و سپس در صدد آسیب‌شناسی و جراحی و در نهایت حذف آن از فرهنگ برآید.

این امر شاید تا به امروز بسیار مورد توجه و یا ذائقه کنش‌گران و فعالین سیاسی و اجتماعی نبوده است، لیکن یکی از مهم‌ترین علایم فروپاشی طبقه حاکم بورژوا، که بسیاری از عناصر فرهنگی و تاریخی و عقیدتی در جهت تامین منافع خود و ایجاد مشروعیت استفاده می‌نمایند، همانا تقدس‌زدایی از تابوها و زمینی نمودن مفاهیم می‌باشد. آسیب‌شناسی پدیده تابو بسیار گسترده و پیچیده می‌باشد و پتانسیل بحث و بررسی در ابعاد گوناگون را دارد، امید است مورد توجه و نقد صاحب‌نظران و کارشناسان حوزه‌های مختلف قرار گیرد.

پلاتفرم دمکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران برگزار می‌کند:

جلسه پرسش و پاسخ

درباره چگونگی تشکیل پلاتفرم...

اهداف و سیاست‌های آن

زمان: جمعه یکم یونی 2018، از ساعت 18 تا 21

مکان: استکهلم - آ.ب. اف مرکزی - طبقه اول
سالن: Brantingrummet, våning 1
ABF-huset - Sveavägen 41
T- Rådmansgatan

برگزار کننده: شورای هماهنگی پلاتفرم جنبش‌ها و خلق‌های ایران - واحد استکهلم

* شرکت در این جلسه، برای همگان آزاد است.

سخن رانی رفیق سیامند معینی ...

کونفدرالیزمی دیموکراتیک پلانی دوهولتیک و نه‌توه‌یه‌کی نوئی نیه به‌لکو له سهر سروشتی کومه‌لگای نه‌خلاق سیاسی و بۆ ژبانیکی به رومهت بۆ هه‌مو پیکهاته‌کان و تاکه‌کانی نه‌و کومه‌لگایه تیکوشان ده‌کات. نه‌و کومه‌لگایه له هه‌مو پیکهاته‌کانی نیتیک، جنسی، مه‌زه‌یه‌ی و چینه‌یه‌تی پیک دیت و له ژیر کۆنترۆل و سه‌یه‌ره‌ی هه‌چ نه‌توه و پیکهاته‌یه‌ک نابیت. له‌و ناوچه‌یه‌ی نامازم پیکرد و هه‌ک نمونه کورده‌کان ده‌توانن مه‌جلیسی خۆیان هه‌بیت و نازه‌ریه‌کانی مه‌جلیسی خۆیان و له رده‌یه‌کی سهرتر ده‌کریت مه‌جلیسی دیموکراتیک هه‌بیه‌شیان هه‌بیت که نه‌و پرسه هه‌بیه‌شی نه‌و دوو نه‌توه له‌م مه‌جلیسه دا گه‌فتگۆی له سهر بکریت.

له سیستمی کونفدرالیزم دیموکراتیک دا نه‌توه‌کان و پیکهاته جیاوازه‌کان خوارباری ناشتی و ته‌بابی و هاوسۆزی ده‌بن و خالی هه‌بیه‌شی به‌کتر ده‌توانن به هه‌یز بکهن. نه‌توه‌کانی که خاکی هه‌بیه‌شیان هه‌یه و دور له هه‌ر هه‌لاواردنیک ده‌توانن له نیشتمانیکی که نیشتمانی هه‌بیه‌شه ژبان بکهن، نه‌توه‌کان به پاراستنی تاییه‌تمه‌ندی کومه‌لایه‌تی و کۆلتوری خۆیان، له پیه‌وه‌ندی و دانوسسانی کۆلتوری، ژبانیکی هه‌بیه‌ش و به‌رومه‌تیان ده‌بیت. به سیستمی دوهولت نه‌توه، چاره‌نوسی گه‌لانی ناوچه‌که ناتوانن به زۆر و به فورمۆلی هاورده‌کراو لیک جیا بکهنه‌وه، نه‌و نه‌توه‌کان میزوی هه‌بیه‌شیان هه‌یه و به سهدان سأل له په‌نای به‌کتر ژبانیان کردوه، فهره‌هنگ و کۆلتوری هه‌بیه‌شیان هه‌یه و باش له به‌کتر تیده‌گه‌ن. هاوکات به شیوازی کلاسیک ناکریت و نابیت که به‌کتریک له‌م نه‌توه‌کانه سهردهست بیت و نه‌وانی تر ژیر ده‌ست، کومه‌لگای دیموکرات نه‌وه به‌سه‌ند ناکات و دژی دوه‌هسته‌یه‌وه. نه‌وان به په‌که‌وه نیشتمانی هه‌بیه‌ش پیک دینن. هه‌ر نه‌توه‌یه‌ک بۆنی خۆی له کومه‌لگا دا ده‌گیریت و له تیکه‌لای فهره‌هنگی و کۆلتوری نه‌و نه‌توه‌کانه، فهره‌هنگی دیموکراتیک فۆرم ده‌کریت. کونفدرالیزمی دیموکراتیک له گه‌ل هه‌ر جۆره ناوکی سازی و کیشه دروست کردن به بیابوی جیاوازی زمانی، دینی، و کۆلتوری له لایه‌ن دوهولتانی ناوچه‌که‌وه راده‌هسته‌یت، دوهولتان یه‌که به دوا یه‌که دا دین و ده‌چن، نه‌وه‌ی ده‌میننه‌وه گه‌لانی ناوچه‌که‌یه.

کورد و نازه‌ری سنوری هه‌بیه‌شی زۆریان هه‌یه و تیکه‌لای میزویی دیرینه‌یان هه‌یه و هاوکات کۆلتوری هه‌بیه‌شیان زۆره و له مه‌ودا زه‌مانی دور و دریز دا کۆلتوری به‌کتریان دوهوله‌مه‌ند کردوه، هه‌ر دوو گه‌ل ده‌توانن به کۆلتور و خالی هه‌بیه‌شی میزویی له ژینگه‌یه‌کی به‌ته‌واوی نازاد و دۆستانه له په‌نا یه‌که ژبانیکی به رومهت بکهن. نه‌توه‌یه‌ره‌ستی و دوهولت ته‌نیا دژیه‌ری نه‌و دوو نه‌توه‌ی کورد و نازه‌ری زیاد کردوه و تقوی دوژمنی نیوانیان چاندوه. نه‌توه‌گه‌ریایی کیشه‌ی نه‌و نه‌توه‌انه‌ی چاره‌سهر نه‌کردوه و له مه‌ویه‌داش ناتوانیته چاره‌سهری بکات. نه‌توه‌یه‌ره‌ستی رده‌ی نه‌توه‌ی تری له گه‌له و نه‌توه‌ی خۆی به گه‌وره‌تر له نه‌توه‌ی تر ده‌زانیت و به‌رده‌وام قه‌یران ساز ده‌بیت و هه‌چکات چاره‌سهری له گه‌ل خۆی ناهینیت. به‌لام کونفدرالیزمی دیموکراتیک، به هۆی پارادیگما و تیزوانینی دیموکراتیک و وه‌که‌هوی دهره‌ه‌تی گونجاو بۆ نه‌م کیشه و قیرانه‌ی دوهولت نه‌توه ده‌ره‌خسینی و چاره‌سهری دیموکراتیک له گه‌ل خۆی دینیت، و دور له زه‌هنیه‌تی نه‌توه‌یه‌ره‌ستی

و دوهولته‌ی دهره‌ه‌ت بۆ هه‌ر دوو گه‌ل ده‌ره‌خسینیت بۆ به‌شداری هاویه‌ش و نازاد له هه‌مو بواره‌کانی سیاسی کومه‌لایه‌تی و نابوری و پاراستن له ژینگه‌یه‌کی نازاددا.

هه‌ر وه‌ک عه‌زم کردن بابه‌ته‌که به‌ره‌راوانه و به ناخفتنیک ناتوانن نه‌م بابه‌ته ته‌وسیف بکهن و هاوکات نامازه به کاتیش ده‌کریت، به‌لام هیوادارم گۆشه‌یه‌ک هه‌رچه‌ند بچوکیش بیت توانیبنم ته‌رسیم کردبیت. له کۆتایی دا سه‌ره‌که‌وتنتان بۆ ناواته‌خوازم و هیوا ی سه‌ره‌که‌وتن بۆ هه‌زی نازادخواز ده‌خوازم له گه‌ل ریزم.



از اعتراض مردم کازرون ...

هم اکنون فضای این شهر بسیار ملتهب و امنیتی است. در چنین وضعیتی طبیعی‌ست که مردم کازرون را تنها نگذاریم و در همبستگی با آن‌ها در شهرهای دیگر نیز اعتراضاتی را سازمان‌دهی و برگزار کنیم.

برآمد جنبش اعتراضی بر علیه فقر و بیکاری و گرانی و کل حاکمیت در ایران، در اوایل دی‌ماه سال گذشته از جمله به شکل تظاهرات خیابانی در شهرهای مختلف برگزار شد پیام روشن و شفاف این اعتراضات به جامعه و حاکمیت، این بود که دوره ترس از سرکوب و زندان و شکنجه و اعدام به سر رسیده و بیش‌تر از این، ترس و انتظار و بی‌تفاوتی جایز نیست. از این‌رو، از دی ماه گذشته یک دوره تاریخی در ایران پایان یافته و دوره جدیدی آغاز شده است. دوره‌ای که ویژه‌گی مهم آن، تشدید بحران‌های فزاینده اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، زیست محیطی و همچنین دیپلماتیک حکومت اسلامی ایران از یک‌سو، اعتراض و اعتصاب بر علیه فقر و گرانی و بیکاری و سانسور و اختناق حکومت اسلامی از سوی دیگر است. خیزش دی‌ماه قابل پیش‌بینی بود و در ادامه اعتراضات پراکنده به یک خیزش عمومی تبدیل گردید. با همین منطق و مدن می‌توانیم پیش‌بینی کنیم که اعتراض مردم خوزستان، سیستان و بلوچستان، اعتصاب طولانی کسبه و بازاریان کردستان، اعتصاب بازاریان کج‌رامد تهران، اعتراض کارگران در شهرهای مختلف ایران، اعتراض معلمان و تعرض وحشیانه به تجمع آن‌ها در تهران، اعتراض دانشجویان، اعتراض زنان، اعتراض مال‌باختگان، اعتراض بازنشستگان، اعتراض و اعتصاب زندانیان سیاسی و غیره، بی‌تردید در ادامه خود، به یک اتحاد سراسری تبدیل خواهد شد و یک جنبش سراسری ایران را به وجود خواهند آورد و طوفانی برپا خواهند کرد که کلیت حکومت اسلامی را به‌سخره‌ها کوبیده و متلاشی خواهد کرد.

بحران‌های ایران پس از لقو برجام از سوی آمریکا، شدیدتر شده است. هم‌زمان فضای نارضایتی عمومی، و انتظار زلزله سیاسی که یک کارگردشان رو کردن چهره کریه فقر و درماندگی از یک طرف و فساد و سوءمدیریت و جنایت‌کاری حکومتی از طرف دیگر است.

پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران، از اعتراض بر حق مردم کازرون و همه جای ایران حمایت می‌کند و مردم آزاده را به مبارزه متشکل و متحد و هدفمند و سراسری علیه کلیت حکومت اسلامی دعوت می‌کند!

سرنگون باد حکومت اسلامی ایران!

زنده باد جنبش شورایی و دموکراسی مستقیم!

پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران
بیست و هشتم اردیبهشت 1397 - هجدهم مه 2018

سرکوب مردم فلسطین را

محکوم می‌کنیم!

ارتش اسرائیل روز 24 اردیبهشت - 14 ماه مه، وحشیانه به تظاهرات فلسطینیان در منطقه غزه در اعتراض به گشایش سفارت آمریکا در اورشلیم، یورش برد و مردم را به رگبار بست. طبق گزارش‌ها، در این حملات ارتش اسرائیل حدود 3000 فلسطینی زخمی شده و بیش از 60 نفر جان باخته‌اند. این یک جنایت آشکار علیه بشریت است و باید توسط مردم آزاده جهان محکوم گردد.

مسئله فلسطین حدود یک قرن است که به زخمی بر پیشانی بشریت تبدیل شده است. هم‌اکنون حدود سه میلیون نفر فلسطینی در این دنیا نه کشور و نه کاشانه‌ای دارند. در یک منطقه و باریکه محدود و کوچک مدام مورد هجوم ارتش و پلیس اسرائیل قرار می‌گیرند و از زمین و هوا گلوله‌باران می‌شوند.

اکنون انتقال سفارت آمریکا به اورشلیم که به تصمیم دونالد ترامپ رییس جمهور آمریکا صورت گرفت، تازه‌ترین سیاست در جهت تشدید تنش در منطقه، هم‌کاری و هم‌نظری آشکار با نتانیاهو و دولت اشغالگر اسرائیل در کشتار مردم فلسطین و عامل مهمی در عقب راندن حق مردم فلسطین است و طبیعی‌ست که از جانب مردم آزاده جهان محکوم گردد! تصمیمات مستبدانه دونالد ترامپ و انتقال سفارت آمریکا به اورشلیم (بیت‌المقدس)، نه تنها مناقشه موجود بین اسرائیل و فلسطین را تشدید می‌کند، بلکه کل خاورمیانه را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد. اعلام این شهر به عنوان پایتخت اسرائیل، حتی در تضاد با قطعنامه‌های متعدد سازمان ملل متحد و همچنین تعهدات دولت‌های سابق آمریکا است.

دولت اسرائیل در دو ماه گذشته، اعتراضات مردم فلسطین را با قساوت بی‌رحمی تمام سرکوب کرده و چند هزار نفر را مجروح و بیش از 770 تن از آن‌ها مستقیماً مورد اصابت گلوله قرار داده و به قتل رسانده است. در واقع این حق‌خواهی بر حق و عادلانه مردم فلسطین، از سوی دولت اشغالگر و جنگ‌طلب نتانیاهو با پشتیبانی دولت ترامپ به خاک و خون کشیده شده است.

اکنون دولت‌ها و قدرت‌های سیستم سرمایه‌داری در منطقه و در جهان، با دامن زدن به نفرت و کینه ناسیونالیستی و مذهبی و راه انداختن جنگ‌های داخلی و منطقه‌ای، امر و منافع اقتصادی و سیاسی خویش و در راس همه منافع صنایع نظامی‌شان را به پیش می‌برند. تاکنون بارها راحل‌هایی در جهت حل مسئله فلسطین و ایجاد دو کشور مستقل فلسطین و اسرائیل در کنار یکدیگر است. همچنین یک جبهه وسیع انسانی در فلسطین و در اسرائیل از هم‌زیستی میان مردم فلسطین و اسرائیل حمایت می‌کنند و بارها اعلام کرده‌اند که از جنگ و کشتار و کینه و نفرت مذهبی خسته شده‌اند و از این وضعیت بیزارند. راحل مسئله فلسطین همین امر است. یعنی مردم اسرائیل و فلسطین می‌توانند با رد فلسفه «دولت - ملت» یک جامعه مشترک خودگردان به وجود آورند و دقیقاً از این طریق است که مردم هر دو منطقه می‌توانند به سرنوشت خویش حاکم گردند و به سیاست‌های جنگ‌طلبانه دولت اشغالگر اسرائیل و مانور گروه‌های ارتجاع مذهبی در فلسطین و نفرت‌پراکنی طرفین خاتمه دهند.

حل مسئله فلسطین از طریق سیاسی و انسانی و عادلانه، کمک بزرگی به پایان دادن خشونت و جنگ ملی و مذهبی و ملیتاریستی در کل خاورمیانه است. محکوم کردن همه جانبیه رفتار و اعمال و سیاست‌های وحشیانه دولت اسرائیل با حمایت آمریکا و وادار کردن آن‌ها در به رسمیت شناختن کشور مستقل فلسطینی و یا جامعه مشترک فلسطینی - اسرائیلی، عامل مهمی در حل مسئله خاورمیانه و عقب زدن کل گرایشات ارتجاعی در منطقه است.

پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران، کشتار مردم فلسطین توسط دولت و ارتش اسرائیل را شدیداً محکوم می‌کند و خود را در غم و اندوه مردم آزادی‌خواه و برابری‌طلب و عدالت‌جوی فلسطین سهیم می‌داند.

سرنگون باد حکومت اسلامی ایران!

زنده باد جنبش شورایی و دموکراسی مستقیم!

پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران
بیست و هشتم اردیبهشت 1397 - هجدهم مه 2018

جلوگیری از مراسم پنجاه سالگی کانون نویسندگان ایران را محکوم می‌کنیم!

مبادا که گفته باشی «دوستت می‌دارم»

دلت را می‌پویند...

روزگار غریبی ست، نازنین

و عشق را

کنار تیرک راه بند

تازبانه می‌زنند.

عشق را در پستوی خانه نهان باید کرد...

در این بن بست کج و پیچ سرما

آتش را

به سوخت بار سرود و شعر

فروزان می‌دارند.

احمد شاملو

ماموران امنیتی حکومت اسلامی ایران، به‌طور وحشیانه به محل برگزاری مراسم کانون یورش بردند و مانع از برگزاری مراسم 50 سالگی کانون نویسندگان ایران شدند. این مراسم قرار بود روز جمعه 4 خرداد 1397 - 25 مه 2018، در یک خانه شخصی در تهران برگزار شود.

به‌گفته برخی اعضای کانون نویسندگان و شهروندانی که قصد شرکت در این مراسم را داشتند، نیروهای امنیتی از صبح در خیابان‌های اطراف این خانه و خود آن حضور یافته و در نهایت مانع از برگزاری مراسم شدند. همچنین برخی از بازجویی حاضران در محل مراسم خبر داده‌اند. همچنین به‌گفته اعضای کانون نویسندگان ایران، عکس‌ها، بنرها، یادگاری‌ها و دیگر اشیایی که برای برگزاری این جشن تدارک دیده بودند نیز توسط نیروهای امنیتی ضبط شد.

نیروهای امنیتی و لباس شخصی با کنترل رفت و آمد و بستن خیابان‌های منتهی به محل برگزاری این مراسم، اجازه نداده‌اند مراسم بزرگداشت 50 سالگی کانون نویسندگان ایران برگزار شود.

رضا خندان مهابادی، نویسنده و عضو هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران، به رسانه‌ها گفت پلیس پیش از برگزاری مراسم جشن پنجاه سالگی کانون، به محل برگزاری این جشن حمله کرد و هم‌زمان با تفتیش خانه و توقیف بخشی از اموال کانون، مانع تشکیل جلسه شد.

رضا خندان افزود ماموران پلیس و وزارت اطلاعات، علاوه بر جلوگیری از برنامه کانون، بخشی از اموال و وسایل را با خود برده‌اند: «برای جشن پنجاه سالگی کانون، یک جلسه داشتیم، چون در امکان عمومی به ما سالن نمی‌دهند، منزلی را برای این کار آماده کردیم ولی چند ساعت مانده به شروع برنامه، نیروی انتظامی و ماموران اطلاعات با ماشین‌ها خیابان را بستند، وارد خانه شدند و بعد از تفتیش و به هم ریختن مقداری از وسایل را بردند.»

کانون نویسندگان ایران، یک نهاد مستقل و غیردولتی متشکل از نویسندگان، مترجمان، ویراستاران و ... است، این تشکل در اردیبهشت 1347، رسماً با هدف تشکیل‌یابی نویسندگان و مبارزه با سانسور اعلام موجودیت کرد.

کانون نویسندگان و اعضای آن از ابتدای تشکیل و به‌ویژه طی دهه‌های 60 و 70 با درجات مختلف سرکوب، از سانسور و تعقیب قضایی گرفته تا قتل روبه‌رو بوده‌اند. سعید سلطانپور شاعر انقلابی و عضو کانون نویسندگان در فروردین ماه 1360 دستگیر شده بود 31 خرداد به همراه جمعی از اعضای سازمان پیکار و سازمان مجاهدین خلق اعدام شد. در همان سال، مامورین امنیتی و حزب‌اللهی دفتر کانون را تخریب کردند و

تاکنون اجازه نداده‌اند نویسندگان و هنرمندان ایران تشکل مستقل خود را داشته باشند. در یک عملیات ناموفق که در 16 مرداد 1375 رخ داد، دستگاه اطلاعاتی ایران قصد داشت تعداد زیادی از چهره‌های فرهنگی کشور را یکجا به قتل برساند. تنها پس از اطلاعیه وزارت اطلاعات درباره قتل‌های معروف به قتل‌های زنجیره‌ای، بازداشت شماری از اعضای وزارت اطلاعات و انتشار اطلاعاتی در این باره بود که اعلام شد چند نفر از بازداشت شدگان به نقش خود در «اتوبوس ارمنستان» اعتراف کرده‌اند. دو تن از چهار متهم اصلی دادگاه قتل‌های زنجیره‌ای به‌طور مستقیم در این قضیه دخالت داشتند: حسرو براتی راننده اتوبوس و مامور انجام این برنامه بود و مصطفی کاظمی فردی بود که مسافران را مورد بازجویی قرار داد. امروز، از 21 سرنشین آن اتوبوس، متأسفانه سه نفر دیگر زنده نیستند: محمد علی سپانلو، بیژن نجدی و منصور کوشان که اصلی‌ترین برنامه‌ریز این سفر بودند. محمدجعفر پوینده و محمد مختاری از جمله اعضای کانون نویسندگان بوده‌اند که در جریان قتل‌های زنجیره‌ای در آذر ماه 1377، توسط مامورین وزارت اطلاعات حکومت اسلامی به قتل رسیدند.

رضا خندان درباره آزار و اذیت نهادهای امنیتی، گفت: «عمداً و به قصد آزار تماس قبلی نمی‌گیرند، صبر می‌کنند همه کارهای مراسم انجام شود و بعد هجوم می‌آورند و محل را محاصره می‌کنند، در مراسم ختم علی‌اشرف درویشیان، یکی از اعضای کانون هم به همین شکل رفتار کردند.»

پیش‌تر و در سال 1394، قرار بود روز جمعه 5 شهریور 1394 - 26 اوت 2016، مجمع عمومی کانون نویسندگان ایران با هدف انتخاب «هیئت دبیران»

جدید در منزل یکی از اعضا برگزار شود؛ این جلسه اما با حضور ماموران امنیتی لغو شد. این خبر را کانون نویسندگان ایران در اطلاعیه‌ای اعلام کرده است.

در آن روزها، فاطمه سرحدی‌زاده، اکبر معصومی‌بیگی، علی‌رضا عباسی، قارن سوادکوهی و رضا خندان مهابادی، پنج عضو ارشد کانون نویسندگان، به وزارت اطلاعات احضار شدند؛ به آنان تاکید گردید از برگزاری مجمع عمومی خودداری کنند.

اکبر معصومی‌بیگی، نویسنده و مترجم و از اعضای کانون نویسندگان ایران نیز در واکنش به همین موضوع در کانال تلگرامی‌اش ماموران پلیس را نیروهای سپاهی و تباهی خواند که با یورش وحشیانه و غارت وسایل کانون، برگ سیاه دیگری بر کارنامه ننگ‌آلود و سراسر جنایت و سانسور و آزادی‌کشی خود افزودند.

ما با حمایت از فعالیت‌های ارزنده کانون نویسندگان ایران علیه سانسور و اختناق در دفاع از آزادی بیان و اندیشه «بی‌حد و حصر» برای همگان، تهاجم وحشیانه ماموران امنیتی به مراسم کانون را شدیداً محکوم می‌کنیم.

در شرایطی که جامعه ایران از تشکلهای سیاسی - اجتماعی فراگیر برای سمت و سوا دادن به حرکت‌های اعتراضی محروم است، کانون نویسندگان در دفاع از آزادی بیان و مبارزه با سانسور، موفق شده است در بسیج افکار عمومی علیه سانسور و اختناق و دیکتاتوری نقشی بارز ایفا کند. با وجود ادامه جو وحشت و ارباب، کانون می‌کوشد با تشکیل نشست‌ها و مراسم‌ها یا دست‌کم صدور بیانیه‌های اعتراضی حضور و ادامه فعالیت این نهاد پیشرو را به حاکمان تحمیل کند.

کسب و کار چهل ساله اسلامی ایران، همواره تولید چهل و جنایت، سرکوب و سانسور، ترور و وحشت، شکنجه و اعدام، فقر و فلاکت و استثمار بوده است. به همین دلیل این حکومت، با نفرت عمومی مردم آزاده ایران و جهان روبه‌رو شده است. بی‌تردید این حکومت، دیر و یا زود با مبارزه متحدانه و آگاهانه جنبش‌های سیاسی - اجتماعی و نیروهای دمکراتیک و ضدسرمایه‌داری سرنگون خواهد شد و همین مردم با اتکا به روابط و مناسبت شورایی و دمکراسی مستقیم، جامعه نوینی در ایران ایجاد خواهند کرد!

پلاتفرم دمکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران
 شنبه پنجم خرداد 1397 - بیست و ششم مه 2018